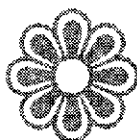


کتاب از دیدگاه قرآن

محمد هادی معرفت



کتاب از ریشه: کُتِبَ، به معنای: گردآوری گرفته شده. احمدبن فارس گوید: کاف و تاء و باء، اصل و ریشه است و بر معنای: گردهم کردن دلالت می کند. واژه کتاب و کتابت از آن گرفته شده. راغب اصفهانی گوید: کُتِبَ (با سکون تاء) دوختن دو پوست با یکدیگر را گویند. آن دو را گردهم آورند و بدوزند. نوشتار را از این جهت کتابت گویند، که کلمات و حروف را گردهم آرد. ابن فارس گوید: مهره ها که در یک رشته گردهم آورند، کُتِبَ (با ضم کاف و سکون تاء) گویند. از این رو به «خُرْزَة» (به معنای مهره) کُتِبَ گویند. جمع آن: کُتَبَ مانند خُرْزَة و خُرَز است. راغب گوید: اصل در کتابت به هم پیمودن است که حروف به یکدیگر می پیوندند. گاه به گفتار نیز گفته می شود گرچه نوشته نباشد. از این رو، کلام الهی را کتاب گویند، مانند آیه: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» گرچه هنوز به صورت نوشتار درنیامده باشد. نیز آیه: «قَالَ اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابُ» (مریم / ۱۹ / ۳۰) که مقصود سخن حق تعالی است. ولی خواهیم گفت: مقصود از کتاب در آیه دوم، شریعت است. بر جمله نوشتارها که گردهم آیند، نیز کتاب گویند. جمله صفحه های کاغذ که بر آن نوشته شده باشد و به هم بپیوندند، کتاب گویند. راغب گوید: بر هرچه واجب و لازم الاجرا باشد، کتابت گویند. آن بدین جهت است که آن چیز، اندازه گیری شده و سپس اراده

گشته است و خواسته شده است. و هرچیز نخست اراده می شود (خواسته میشود) سپس گفته می شود و آن گاه به نوشته درمی آید. پس اراده، مبدأ است و کتابت پایان. لذا بر آن چه اراده می شود، نام پایانی را می آورند تا تأکید در خواسته را برسانند. از این رو، کتَب در گفتار قرآنی به معنای: حَتَمَ و فَرَضَ، ثابت و واجب کردن آمده است. برای نمونه آیه های زیرین را می آوریم:

«کَتَبَ اللَّهُ لِأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (مجادلة / ۵۸/۲۱).

حتم کردم که خود و پیامبرانم در زندگی این جهان پیروز باشیم. یعنی: چنین خواستیم و اراده کردیم. «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» (توبه / ۹/۵۱).

به ما نرسد جز آن چه خدا برای ما نوشته، یعنی: خواسته است. «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (انفال / ۷۵/۸). خویشاوندان در نوشتار الهی برخی به برخی نزدیک ترند. یعنی در شریعت الهی که بر مردم فرض کرده است. «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا انْ نَفْسِ بِالنَّفْسِ» (مائده / ۵/۴۵).

در تورات بر آنان (قوم یهود) نوشتیم. یعنی: تشریح کردیم. «کَتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتَ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» (بقره / ۱۸۰/۲). بر شما نوشته شده: هرگاه مرگ فرا رسد و شما اندوخته ای داشته باشید، برای پدر و مادر و نزدیکان سفارشی کنید. بر شما نوشته شده، یعنی خواسته شده است. «کَتَبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامَ» (بقره / ۱۸۵/۲). روزه بر شما نوشته شده است، یعنی از شما خواسته شده است.

از این رو، نوشتار را «کتابت» گویند که حروف و کلمات را گرد هم آورَد. و کتاب از آن جهت، کتاب گفته شده که ورق های نبشته را گرد هم آورده است. نیز تکالیف و احکام الهی که به صورت «شریعت» بر مردم فرود آید، کتاب باشد. زیرا بر آنان نوشته شده اند و این نوشته ها، از خواست حتمی الهی حکایت دارند «ان الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً» (نساء / ۴/۱۰۳).

در قرآن، واژه «کتاب» در پنج معنی به کار رفته است:

۱. شریعت: احکام و تکالیف چه به صورت جمعی و چه به صورت فردی، از مطلق کتابت و نوشته شدن، استعاره شده است. زیرا احکام شریعت از مردم خواسته شده است و هرچه خواسته شود، نوشته شود و به صورت کتاب درآید. و این در قرآن بیش از صد و بیست جای آمده است. از آن میان:

در باره حضرت عیسی آن گاه که در گاهواره آرمیده بود، گفت: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا. وَجَعَلَنِي مَبْرُكًا أَيْنَمَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم / ۱۹-۳۰-۳۱). من بنده خدایم، مرا شریعت فرستاد و پیامبر کرد. و مایه برکت ساخت. هرکجا باشم و سفارش نماز و پرداخت زکات را تا هنگامی که زنده هستم.

زیرا هنوز نوشتاری بر آن حضرت فرود نیامده بود و مقصود: اصل شریعت بود. او پیغمبری بود دارای شریعت و احکام و تکالیف که پیروی از آن بر مردم واجب بود.

نیز در رابطه با حضرت یحیی آن جا که فرموده است: «یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیاً» (مریم / ۱۹/ ۱۲).

در این جا نیز، مقصود: شریعت است، زیرا اساساً حضرت یحیی دارای نوشتار نبود. و حضرت عیسی نیز دارای نوشتار نبود. و مقصود از «انجیل» همان سفارش های آموزنده بود که بر دست آن حضرت ارائه گشت. کتاب های انجیل چهارگانه و جز آن، تاریخ زندگی آن حضرت است که پس از رفتن به ملاًعلی یا به نزد خدا بر دست شاگردان وی نوشته شد. و شامل یک رشته تعالیم و رهنمودهای آن حضرت است و از همین جهت صرفاً به آن ها «انجیل» گفته می شود. انجیل، معرب «انگیون» لفظ یونانی است، به معنای: مژده، که مقصود، مجموعه تعالیم و بشارت های حضرت مسیح است.^۱

مفسران، کتاب را درباره یحیی تورات گفته اند. و احتمال کتاب مخصوص برای وی نیز داده اند. درباره عیسی، وعده کتاب و نبوت دانسته اند که در هر دو جای برخلاف ظاهر رفته اند، زیرا ظاهر کلام، سخن از گذشته و امری تحقق یافته است. شاهد مطلب یادشده، این آیه است، آن جا که خدا به حضرت مسیح خطاب فرمود:

«واذ علمتک الكتاب والحکمة والتوراة والانجیل» (مائده / ۵/ ۱۱۰). مقصود از کتاب در این آیه، جز تورات و انجیل است که در ردیف آن ها جای گرفته است. مقصود از کتاب: شریعت است یعنی شریعت و حکمت هر دو را افزون بر تعالیم تورات و انجیل، به تو آموختیم.

نیز آیه: «ربنا وابعث فیهم رسولاً منهم یقولوا علیهم آیاتک و یعلمهم الكتاب والحکمة، ویزکیهم» (بقره / ۲/ ۱۲۹). مقصود از تلاوت آیات فرا خواندن دلایل و بینات الهی است. سپس شریعت و حکمت را به آنان یاد داد تا از درون پاکیزه شوند، زیرا مقصود آن نیست که آنان را خواندن قرآن یاد دهد. در تمامی آیاتی که عبارت «یعلمهم الكتاب» یا «یعلمکم الكتاب» آمده، مقصود تعلیم احکام شریعت است؛ مانند آیه ۱۵۱ و ۲۸۲ سوره بقره، آیه ۱۶۴ سوره آل عمران و آیه ۲ سوره جمعه.

از این رو، در تمامی مواردی که به یهود و نصارا در قرآن، «یا اهل کتاب» خطاب شده، مقصود دارندگان شریعت آسمانی است. و نوشتار، مقصود نیست. و اساساً نبشته در این باره خصوصیتی ندارد. عمده: دارای شریعت بودن است چه کتاب به صورت معمولی داشته باشند یا نداشته باشند. لذا اگر ثابت شود زرتشتیان و بوداییان دارای شریعت آسمانی بوده اند، اهل کتاب شمرده می شوند، چه ثابت شود کتابی (به صورت نبشته) داشته اند یا نه. از دیدگاه فقه

اسلامی، تفاوتی ندارد، جز آن که ثابت شود در اصل دارای شریعت آسمانی بوده اند. و در آیه ۱۷۷ سوره بقره: «...ولکن البرّ من آمن بالله والیوم الآخر والملائکة والکتاب والنبیین.» مقصود از «کتاب» شریعت و فرایض الهی است که باید به آن ایمان داشت و بدان رفتار کرد، زیرا اگر مقصود کتاب های پیامبران بود، باید به صورت جمع آورده می شد، چنانچه فرشتگان و پیامبران جمع آورده شده اند. ولی چون شریعت الهی یکی است، به صورت مفرد آمده است. آیه ۲۱۳ همان سوره: «کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشّرين ومنذرين، وانزل معهم الکتاب بالحق، لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیهِ.» مقصود از «کتاب» شریعت است، زیرا آن چه با همه انبیا همراه بوده شریعت است نه کتاب به معنای نبشته. برخی کتاب (نبشته) داشته اند و برخی نداشته اند. اکثر دارای نبشته نبوده اند. پس مقصود از «کتاب» که با همه انبیا همراه بوده، جز شریعت چیز دیگری نیست.

هرکجا، کتاب با حکمت قرین شود، مقصود: شریعت است، چنان که در آیه ۲۲۱ سوره بقره آمده است: «واذکروا نعمة الله علیکم وما انزل علیکم من الکتاب والحکمة یعظکم به».

نیز آیه ۸۱ سوره آل عمران: «واذ اخذالله میثاق النبیین لما آتینکم من کتاب وحکمة، ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمننّ به ولتنصرنّه» . از دو جهت، مقصود از «کتاب» در این آیه شریعت است. یکی از جهت آن که با حکمت قرین شده است؛ دیگری از آن روی که به همه پیامبران انتساب یافته است.

نیز آیه ۵۴ سوره نساء: «فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب والحکمة واتیناهم ملکاً عظیماً» . آنچه به آل ابراهیم داده شده بود، همانا شریعت حق الهی بود و مقصود: صحیفه های معهود نیست. امتیاز این خاندان در عنایتی است که از جانب پروردگار به آنان شده است. از آن رو که خدا لطف خاص خود را به ایشان ارزانی داشته است و ایشان را با طریقه حقیقت آشنا ساخته، صرفاً نزول چند صحیفه نیست.

و نیز آیات: ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره؛ ۴۸ و ۱۶۴ سوره آل عمران؛ ۱۱۳ سوره نساء؛ ۱۱۰ سوره مائده و ۲ سوره جمعه.

۲. معنای دیگری که برای کتاب در نظر گرفته شده است، همان معنای مصطلح نوشتار است. که نزدیک هشتاد بار در این معنی آمده: «وما کنت تتلو من قبله من کتاب ولا تحطه بیمینک» (عنکبوت / ۲۹/ ۴۸). پیش از این نوشتاری را نمی خواندی و با دست خود نمی نوشتی. «إذهب بکتابی هذا فالقه الیهم ثم تولّ عنهم فانظر ماذا یرجعون. قالت یا ایها الملا إتی ألقى إلیّ کتاب کریم. انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم. ألا تعلوا علیّ وأتونی مسلمین.» (نمل / ۲۷- ۲۸- ۳۱). مقصود، نامه سلیمان است که بر بلقیس افکنده

شد. «قال الذی عنده علم من الكتاب» (نمل / ۲۷ / ۴۰). اختلاف است که مقصود از «کتاب» در این آیه چیست. برخی آن را لوح محفوظ دانسته اند که از علم لایزال الهی سرچشمه گرفته است و برخی آن را اسم اعظم دانسته. بیش تر علم به کتاب های آسمانی پنداشته اند که رشحه ای از علوم الهی است.^۲ ولی مقصود علم به نبیسته هاست و آن کنایه از دانشمند بودن و سروکار با کتاب داشتن است. چنان که در آیه ۴۳ سوره رعد آمده است: «قل کفی باللّه شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب». یعنی دانا به نبیسته هاست. و آن کنایه از دانشمند بودن است، زیرا دانشمندان پیوسته از حق پیروی کرده، به آن می گروند. «قل آمنوا به اولا تؤمنوا ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجداً» (اسراء / ۱۷ / ۱۰۷). «ولیعلم الذین اوتوا العلم انه الحق من ربک فیؤمنوا به فتخبت له قلوبهم» (حج / ۲۲ / ۵۴). «ویری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق» (سبأ / ۳۴ / ۶). «شهدالله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم» (آل عمران / ۱۸ / ۳). «اولم یکن لهم آیه ان یعلمه علماء بنی اسرائیل» (شعراء / ۲۶ / ۱۹۷).

خلاصه: قرآن برای دانشمندان (در راه حق باوری) جایگاه بس ارجمندی قایل است. از دید قرآن، دارندگان علم کتاب که تصدیق کنندگان حق و حقیقت اند، همان گروه دانشمندان اند که سروکار با کتاب دارند. «إنما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر / ۲۵ / ۲۸).

۳. یکی دیگر از معنای «کتاب» در اصطلاح قرآنی، کنایه از «علم ازلی الهی» به گونه عام است که در این معنی نزدیک بیست بار در قرآن به کار برده شده است. البته تعبیرات مختلفی از آن بکار رفته است: کتاب مبین. کتاب معلوم، ام الكتاب، الكتاب، و مانند آن. در تمامی این جاها، مقصود، علم ازلی الهی است و در جای دیگر با عنوان لوح محفوظ استعمال شده است. لوح، همان نبیسته افزار است که بر روی آن می نگارند و این، از هرگونه اشتباه در امان است.

«وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو. و یعلم ما فی البر والبحر، وما تسقط من ورقة الا یعلمها، ولا حبة فی ظلمات الارض، ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین» (انعام / ۶ / ۵۹). «کتاب مبین» یعنی نوشته ای آشکار و عاری از ابهام و اشتباه؛ یعنی هرچیز برای ما همانند نبیسته ای آشکار و خالی از ابهام، دانسته است و روشن. «وما یعزب عن ربک من مثقال ذرة فی الارض ولا فی السماء، ولا اصغر من ذلك ولا اکبر الا فی کتاب مبین» (یونس / ۱۰ / ۶۱). ناپیدا نماند از خداوند هر موجودی در جهان که سنگینی ذره ای را دارا باشد؛ نه کوچک تر و نه بزرگ تر که تمامی آن ها در نبیسته ای آشکار ثبت است، یعنی علم ازلی الهی بدان تعلق یافته است. و نیز «وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین» (هود / ۱۱ / ۶).

مقصود از مستقر و مستودع، جایگاه جاودان و گذران است. نیز «وما من غائبة فی السماء والارض الا فی کتاب مبین» (نمل / ۲۷ / ۷۵). هیچ پنهانی از شما در آسمان و زمین نیست مگر آن که در نوشتاری آشکار ثبت شده است یعنی علم ازلی خدا بدان تعلق یافته است و آن ها همگی حاضر و در برابر دانش اوست.

همچنین مقصود از «کتاب حفیظ» در این آیه: «قد علمنا ما تنقص الارض منهم و عندنا کتاب حفیظ» (ق / ۵۰ / ۴). و «کتاب مکنون» در این آیه: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسّه الا المطهرون» (واقعہ / ۵۶ / ۷۸). همان «لوح محفوظ» است که کنایه از «علم ازلی الهی» است. ترجمه آیه نخست چنین است:

دانستیم آن چه را که زمین از آن ها کاسته می شود. این، کنایه از نابودی آنهاست. و نزد ما نوشتاری مصون از دستبرد و اشتباه است.

ترجمه آیه دوم:

این قرآن گرامی در نوشتاری پنهان پاس داشته از گزند، چنین ثبت شده است که جز پاکان به آن دست نیابند.

«مکنون» از ریشه «کن» (با تشدید فون و کسر کاف): به معنی نماند، گم شده است. کنه ستره و اخفایه. آن را پوشاندن و نماند ساخت. یعنی در علم ازلی الهی چنین ثبت شده است که قرآن از هر گزندی برکنار بماند و جز پاکان را بدان دسترسی نباشد.

نیز مقصود از «ام الكتاب» (که در دو جای قرآن آمده) لوح محفوظ است که برگشت همه دانسته ها، در جهان بدو است. «یمحو الله ما یشاء ویثبت و عنده ام الكتاب» (رعد / ۱۳ / ۲۹). آن چه محو یا اثبات شود در این جهان، طبق خواسته خداست، زیرا «ام الكتاب» نزد او است. کنایه از علم ازلی الهی است که چه خواهد شد و چه نخواهد شد. «انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون. و انه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم» (زخرف / ۴۳ / ۳ و ۴). قرآن را از آن جهت با زبان عربی فرستادیم که تا شما آن را دریابید. پس در علم و تقدیر ازلی الهی چنین رقم یافته که قرآن در نزد پروردگار، دارای جایگاهی استوار باشد. ولی مقصود از «ام الكتاب» در آیه ۷ سوره آل عمران، اساس آیات قرآن است و به این معنی «علم ازلی الهی» نیست.

۴. یکی دیگر از معنای «کتاب» در قرآن، تقدیر و اندازه گیری است که مکرراً به آن به کار برده شده است:

«وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم. ما فرطنا فی الكتاب من شیء» (انعام / ۶ / ۳۸)

هیچ جنبنده و پرنده ای نیست جز که گروه گروه آفریده شده اند و همچون شما آدمیان

زندگی می کنند. در اندازه گیری آفریده های جهان، هیچ چیزی را فروگذار نکرده ایم. «وکل شیئی احصیناه کتاباً» (نبأ / ۷۸ / ۲۹). هر چیزی را درست شمارش کرده ایم. «وقضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرتین ولتعلن علواً کبیراً» (اسراء / ۱۷ / ۴).

در باره فرزندان اسرائیل، چنین پیش بینی نمودیم و در صفحه تقدیر جهان رقم زدیم که بی هیچ گمان، دوبار در زمین تباهی کنید و بی چون و چرا، برتری بس شگرفی بیابید.

«وان من قرية الا نحن مهلكوها قبل یوم القیامة او معدبوها عذاباً شدیداً. کان ذلک فی الکتاب مسطوراً» (اسراء / ۱۷ / ۵۸).

در صفحه تقدیر جهان رقم یافته....

همچنین است آیه ۵۲ سوره طه (۲۰): آیه ۵ سوره حج (۲۲): آیه ۶۸ سوره انفال (۸) و جزآن. ۵. دیگر معنای «کتاب» در اصطلاح قرآنی، قرآن است، زیرا قرآن وحی آسمانی است که به صورت نبشته درآمده است. آن را از آن روی قرآن گویند که خوانده می شود. و از آن جهت کتاب گویند که نوشته می شود. از این رو، هم قرآن، و هم کتاب، بر بعض آن (چند آیه یا سوره) اطلاق می شود. همان گونه که بر مجموع آن گفته می شود. در مکه، بر آنچه نازل شده بود، کتاب گفته می شد، چنانچه قرآن گفته می شد. با آن که مقداری از آیات یا سوره ها بیش نبود. پس از هجرت نیز پیش از آنکه تمامی آیات و سوره ها نازل شد، بدان قرآن گفته شد.

در سوره مکی شوری آمده است: «اللہ الذی انزل الکتاب بالحق والمیزان» (شوری / ۱۷ / ۴۲). و در سوره زخرف (نیز مکی) آمده است: «حم. والکتاب المبین. انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون» (زخرف / ۳-۱ / ۴۲). و در سوره بقره (که آغاز آن در سال های نخست هجرت بود) آمده است: «ذلک الکتاب لاریب فیه» (بقره / ۲ / ۲).

در تمامی این جاها (که بیش از چهل جاست)، مقصود از «کتاب» قرآن است.

۱. کتاب مقدس ص ۱۱۱؛ قصص الانبیاء، دکتر عبدالوهاب نجار مصری، ص ۲۸۹.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۹۷/۵؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ۱۹۸/۲۴؛ مجمع البیان، ۲۲۲/۷.